



شورای کفست و کوی دولت و بخش خصوصی



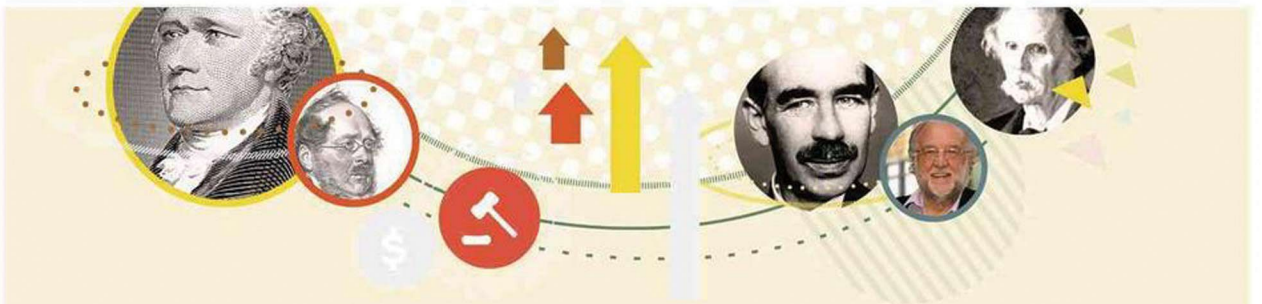
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران



اقتصاد: راهنمای کاربردی

نویسنده: هاجون چانگ

مترجمین: محمدرضا فرهادی پور، امیدرضا فرهادی پور



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اقتصاد: راهنمای کاربردی

هاجون چانگ

مترجمین: محمدرضا فرهادی پور، امیدرضا فرهادی پور

نویسنده: تقدیم به پدر و مادرم

عنوان: اقتصاد: راهنمای کاربردی

مجری: شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

مترجمین: محمدرضا فرهادی پور - امیدرضا فرهادی پور

ناظر طرح: سارا پارسی

مدیر طرح: صالح نیازی

طراح جلد: محمدحسن چیدری

شمارگان: ۵۰۰ جلد

تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۹۸

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال

تهیه شده در: روابط عمومی و مرکز نشر اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

فهرست مطالب

| | |
|-----|--|
| ۵ | سخن آغازین |
| ۷ | پیش درآمد |
| ۷ | اصلا چرا به خودمان چنین دردسری بدهیم؟ |
| ۷ | چرا مردم علاقه‌ی زیادی به علم اقتصاد ندارند؟ |
| ۹ | این کتاب چه تفاوتی با سایر کتاب‌ها دارد؟ |
| ۱۱ | میان‌پرده |
| ۱۱ | چطور این کتاب را مطالعه کنیم؟ |
| ۱۳ | بخش اول: عادت کردن به اقتصاد |
| ۱۵ | فصل ۱: زندگی، جهان و همه‌چیز |
| ۱۵ | علم اقتصاد چیست؟ |
| ۲۵ | فصل ۲: از سوزن آدام اسمیت تا شماره‌ی رمز (PIN) |
| ۲۵ | سرمایه‌داری سال‌های ۱۷۷۶ و ۲۰۱۴ |
| ۳۷ | فصل ۳: چطور به اینجا رسیدیم؟ |
| ۳۷ | تاریخچه‌ی کوتاهی در مورد سرمایه‌داری |
| ۸۵ | فصل ۴: مطالعه‌ی اقتصاد را از کجا شروع کنیم؟ |
| ۸۵ | اجازه دهید صدها گل شکوفه کنند |
| ۱۲۹ | فصل ۵: هنرپیشگان یک نمایشنامه |
| ۱۲۹ | بازیگران اقتصادی چه کسانی هستند؟ |
| ۱۵۳ | بخش دوم: به کارگیری علم اقتصاد |

فهرست مطالب

| | |
|-----|---|
| ۱۵۵ | فصل ۶: می‌خواهید چقدر باشد؟ |
| ۱۵۵ | تولید، درآمد و شادی |
| ۱۷۵ | فصل ۷: باغچه‌ی شما چطور رشد می‌کند؟ |
| ۱۷۵ | جهان تولید |
| ۲۰۳ | فصل ۸: دردسر در صداقت بانک امانی |
| ۲۰۳ | امور مالی |
| ۲۳۳ | فصل ۹: بز بوریس بایستی بمیرد |
| ۲۳۳ | نابرابری و فقر |
| ۲۵۵ | فصل ۱۰: چند نفری را می‌شناسم که کار کرده‌اند |
| ۲۵۵ | کار و بیکاری |
| ۲۷۷ | فصل ۱۱: هیولای دریایی یا پادشاه فیلسوف؟ |
| ۲۷۷ | نقش دولت |
| ۲۹۷ | فصل ۱۲: «همه چیز فت و فراوان است» |
| ۲۹۷ | بعد بین‌المللی |
| ۳۳۱ | میان‌پرده‌ی دوم |
| ۳۳۳ | کلام آخر |
| ۳۳۳ | اکنون چه می‌شود؟ |
| ۳۳۳ | چطور می‌توان از علم اقتصاد برای بهبود اقتصاد خود استفاده کرد؟ |

سخن آغازین

اقتصاد زبان مشترک انسان‌ها از اقوام و ملل مختلف است. همانطور که در هنر و موسیقی شاهد سبک‌ها و روش‌های مختلفی هستیم در اقتصاد نیز نگرش‌ها و مکاتب مختلفی وجود دارد. گروهی از اقتصاددانان تصور می‌کنند همزیستی مسالمت‌آمیز این دیدگاه‌های مختلف و به ظاهر متناقض امکان‌پذیر نیست و باور ندارند که همه این دیدگاه‌ها می‌توانند در موقعیت‌های مختلف برای تحلیل رفتار انسان و جامعه کارآمد باشند و لذا بر این اعتقاد هستند که لاجرم یکی باید غالب بر دیگران شود.

آنچه علم اقتصاد را به یک ابزار تحلیلی قدرتمند بدل کرده است توانمندی آن برای توصیف رفتار بشر است. به باور هاجون چانگ به جای تعریف علم اقتصاد بر مبنای روش انجام کار و رویکرد نظری آن، بایستی آن را بر مبنای مطالب مورد بحث در این رشته تعریف کرد. این قاعده البته می‌تواند برای تمامی علوم نیز صادق باشد. از نگاه وی، تعریف علم اقتصاد بدین روش باعث می‌شود تا این کتاب نسبت به سایر کتاب‌های اقتصادی یک تمایز بنیادین داشته باشد. سایر کتب، اقتصاد را به لحاظ روش انجام کار و رویکرد نظری آن تعریف می‌کنند و چنین تصور می‌کنند که برای «حرفه‌ی اقتصاد» تنها یک روش درست وجود دارد و آن هم رویکرد نئوکلاسیک است، در حالی که در این کتاب نویسنده کوشیده است تا با بررسی دیدگاه‌های مختلف در علم اقتصاد نقاط ضعف و قوت هر بینه را مطرح کرده و نشان دهد چرا برای توضیح رفتار اقتصادی فرد و جامعه می‌توان از روش‌های مختلفی بهره برد.

شناخت نگرش‌های مختلف در علم اقتصاد از این حیث ضرورت دارد که شناخت طیفی از مکاتب مختلف و اکتفا نکردن به یک یا دو مورد خاص از آنها به ما اجازه می‌دهد نسبت به پیچیدگی اقتصاد، درک دقیق‌تری پیدا کنیم. همچنین با بررسی نگرش‌های مختلف و نقدهای طرفین می‌توان به درک عمیق‌تری نسبت به پدیده‌های اقتصادی جهان امروز دست یافت. در واقع نگاه به این تفاوت دیدگاه‌ها باید بدین صورت باشد که رویکردهای متفاوت علم اقتصاد می‌توانند مطالب زیادی از یکدیگر بیاموزند و درک ما از جهان اقتصادی را غنی‌تر سازند.

نویسنده در بخشی از کتاب به بررسی نقش انسان‌ها در اقتصاد می‌پردازد. وی با بیان اینکه با پذیرش نقص شدید انسان برای او جایگاه بالاتری را لحاظ می‌کنیم ذهن خواننده و منطق انسان کامل و عقلایی را به چالش

می‌کشد و سپس چنین عنوان می‌کند: « دقیقاً به همین دلیل که می‌گوییم انسان‌ها محصول جامعه‌ی خود هستند، می‌توانیم اراده‌ی آزاد انسان‌هایی که تصمیماتی برخلاف قراردادهای اجتماعی، ایدئولوژی‌های غالب یا پس‌زمینه‌های طبقاتی خود اتخاذ می‌کنند را بیشتر تحسین کنیم. هنگامی که می‌پذیریم عقلانیت انسان محدود است، بایستی طرح‌های ابتکاری کارآفرینانی که مسیر خطرپذیر (غیرعقلانی) را پیش می‌گیرند، بیشتر تحسین کنیم...». این نگاه به انسان در نوع خود جالب است. با این توصیف هاجون چانگ کارآفرینانی که در اقتصاد ایران به فعالیت مشغول هستند بیش از آنچه وی گفته است قابل تحسین می‌باشند. چرا که مسیر طی شده توسط ایشان بسیار پرخطرتر و تصمیمات ایشان بسیار غیر عقلایی تر به نظر می‌رسد.

این کتاب علاوه بر موضوعات مورد اشاره به مباحث تولید، استفاده از اعداد و آمار در علم اقتصاد، بانک و نظام تامین مالی، فقر و نابرابری، اشتغال و بیکاری، نقش دولت در اقتصاد و بررسی بعد بین‌المللی اقتصاد در نگرش‌های فکری مختلف در علم اقتصاد پرداخته است. باور نویسنده در این خصوص که دسترسی به علم اقتصاد برخلاف ادعاهای بسیاری از اقتصاددانانی که می‌خواهند اوضاع را طور دیگری جلوه دهند، بسیار آسان است، ستودنی است. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران نیز با چنین دیدگاهی و با هدف توسعه دانش اقتصادی برای عموم افراد اقدام به ترجمه متون روز دنیا کرده است.

مطالعه کتاب حاضر را به همه خوانندگان اعم از اساتید و دانشجویان علم اقتصاد، فعالین اقتصادی، محققان علوم انسانی و کلیه علاقمندان توصیه می‌کنم. این کتاب با تعریفی که از علم اقتصاد ارائه می‌کند و با بررسی نقش انسان در اجتماع و بررسی نگاه‌های متفاوت به پدیده‌های اقتصادی، به ما ابزارهای اقتصادی لازم برای فهم این دنیای پیچیده و به هم مرتبط را می‌دهد.

حسین سلاح ورزی

نایب رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

و قائم مقام دبیر شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی

پیش‌درآمد

اصلاً چرا به خودمان چنین در دسری بدهیم؟

چرا مردم علاقه‌ی زیادی به علم اقتصاد ندارند؟

اگر این کتاب را برای مطالعه انتخاب کرده‌اید، احتمالاً نیمچه علاقه‌ای به علم اقتصاد دارید. باین‌حال، شما نیز شاید در هنگام مطالعه‌ی این کتاب، کمی بترسید. اقتصاد ظاهراً علم دشواری است. شاید این علم به اندازه‌ی علم فیزیک دشوار نباشد، اما به صرف انرژی و زمان کافی نیاز دارد. شاید بعضی از شما استدلال‌های برخی اقتصاددانان را در رادیو و تلویزیون شنیده باشید و این استدلال‌ها به نظر تان سوال‌برانگیز بوده‌اند. اما به هر حال، آنها را می‌پذیرفتید، چون هر چه باشد وی متخصص اقتصاد بوده و شما حتی یک کتاب اقتصادی هم مطالعه نکرده بودید.

اما آیا علم اقتصاد تا این حد دشوار است؟ البته، اگر مباحث این علم با عبارات ساده و واضحی توضیح داده شوند، لزوماً آن قدرها هم دشوار نخواهد بود. من در کتاب قبلی خودم با عنوان *بیست و سه نکته‌ای که هرگز در مورد نظام سرمایه‌داری به شما نمی‌گویند*، جسارت زیادی به خرج دادم و گفتم که ۹۵ درصد علم اقتصاد همان عقل سلیم است و با استفاده از عبارات نامأنوس و ریاضیات آن را دشوار می‌سازند.

علم اقتصاد یگانه علمی نیست که از بیرون بسیار دشوارتر از آن چیزی می‌نماید که در واقعیت هست. از لوله‌کشی گرفته تا داروسازی، در هر حرفه‌ای که به صلاحیت فنی خاصی نیاز باشد، عبارات نامأنوسی که برای تسهیل ارتباطات درون حرفه‌ای ابداع شده‌اند، باعث می‌شود ارتباطات آن حرفه با دنیای خارج دشوارتر از حد واقعی باشد. در این میان، اکثر حرفه‌های فنی به شکلی غیردببینانه با استفاده از عبارات دشوار، حرفه‌ی خود را پیچیده‌تر از حالت واقعی آن جلوه می‌دهند تا بدین ترتیب بتوانند دستمزدهای بالایی که متخصصان‌شان برای خدمات خود دریافت می‌کنند را توجیه کنند.

با توجه به تمام این مطالب، علم اقتصاد به شکلی منحصر به فرد موفق شده در بی‌رغبت ساختن مردم به قلمرو خود موفق بوده است. مردم معمولاً در تمام زمینه‌های مختلف اعم از تغییرات آب‌وهوایی، ازدواج

1. 23 Things They Don't Tell You about Capitalism

2. common sense

هم‌جنس‌ها، جنگ عراق و نیروگاه‌های اتمی تولید برق، به‌رغم اینکه احتمالاً از تخصص لازم در آن حوزه برخوردار نیستند، به‌طور قاطع اظهارنظر می‌کنند. اما زمانی که صحبت از موضوعات اقتصادی به میان می‌آید، بسیاری از آنها نسبت به موضوع مورد نظر هیچ علاقه‌ای از خود نشان نمی‌دهند، چه برسد به اینکه بخواهند اظهارنظرهای قطعی کنند. آخرین مرتبه‌ای که شما در مورد آینده‌ی اتحادیه‌ی اروپا، نابرابری اقتصادی در چین یا آینده‌ی صنایع تولیدی آمریکا با دوستان‌تان صحبتی کرده‌اید، چه زمانی بوده است؟ در هر کجا که زندگی می‌کنید، این موارد می‌توانند اثرات زیادی بر زندگی شما داشته باشند و چشم‌انداز شغلی‌تان را به صورت مثبت یا منفی تحت تأثیر قرار داده و دست‌مزد و در نهایت حقوق بازنشستگی شما را تغییر دهند. اما شما احتمالاً هیچ‌گاه به‌جد به آنها فکر نکرده‌اید.

این واقعیت که موضوعات اقتصادی از جاذبه‌ی طبیعی مواردی مانند عشق، جابه‌جایی، مرگ و جنگ برخوردار نیستند، به‌هیچ‌وجه عدم کنجکاوی مردم نسبت به این امور را به‌طور کامل توضیح نمی‌دهد. علت اصلی عدم کنجکاوی مردم نسبت به امور اقتصادی به‌ویژه در چند دهه‌ی اخیر این است که این باور در مردم ایجاد شده که اقتصاد نیز همانند فیزیک و شیمی، «علمی» است که در آن فقط یک پاسخ صحیح برای هر سوال وجود دارد. به همین دلیل نیز کسانی که تخصصی در این حوزه ندارند، صرفاً بایستی «اجماع متخصصان» را بپذیرند و به آن فکر نکنند. گریگوری منکیو^۱ استاد اقتصاد دانشگاه هاروارد و مولف یکی از مشهورترین کتاب‌های درسی اقتصاد می‌گوید: «اقتصاددانان دوست دارند جبروت یک دانشمند را به خود بگیرند. من این موضوع را از آنجا می‌دانم که گاهی خودم نیز چنین کاری را انجام می‌دهم. وقتی در حال تدریس به دانشجویان کارشناسی هستم با آگاهی تمام اقتصاد را در حکم یک علم به آنها معرفی می‌کنم تا هیچ‌یک از دانشجویان تصور نکنند مسیری که در شرف آغاز آن هستند صرفاً یک تلاش دانشگاهی پرپیچ‌وتاب و بی‌ثبات است.»^۲

با این حال، به‌قراری که در ادامه‌ی این کتاب به‌طور واضح‌تری نشان می‌دهم، اقتصاد هیچ‌گاه نمی‌تواند علمی همانند فیزیک و شیمی باشد. نظریه‌های اقتصادی بسیار متعدد و مختلفی هستند که هر یک بر جنبه‌های مختلفی از واقعیت پیچیده تمرکز دارند و قضاوت‌های اخلاقی و سیاسی مختلفی را ارائه می‌کنند و به نتیجه‌گیری‌های متفاوتی می‌رسند. اضافه‌براین، نظریه‌های اقتصادی مدام در پیش‌بینی تحولات جهان واقعی شکست می‌خورند و این موضوع حتی در حوزه‌هایی که روی آنها تمرکز دارند نیز صادق است، چراکه انسان‌ها برخلاف مولکول‌های شیمیایی و اشیاء فیزیکی، اراده‌ی آزاد خود را دارند.^۳

1. Gregory Mankiw

۲. این عبارات، اولین جملات مقاله‌ی وی با عنوان «اقتصاد کلان از دیدگاه یک دانشمند و مهندس» است.

The macroeconomist as scientist and engineer, Journal of Economic Perspectives, vol. 20, no. 4 (2006).

۳. برای آشنایی با دیدگاهی مشابه این مقاله مراجعه کنید، «آیا اقتصاد یک علم است؟» نوشته‌ی رابرت شیلر برنده جایزه‌ی نوبل اقتصاد در سال ۲۰۱۳. می‌توانید این مقاله را از آدرس زیر دانلود کنید:

<http://www.theguardian.com/business/economics-blog/2013/nov/06/iseconomics-a-science-rob-ert-shiller>

از این رو، اگر برای پرسش‌های اقتصادی فقط یک پاسخ درست و منحصر به فرد وجود ندارد، نباید اظهار نظر در مورد مسائل این حوزه را صرفاً به متخصصان واگذار کنیم. این امر بدین معناست که هر شهروند دغدغه‌مند جامعه بایستی برخی مباحث پایه‌ی علم اقتصاد را بیاموزد. البته، منظورم از این سخن این نیست که هر فرد بایستی یک کتاب قطور اقتصادی انتخاب کند و بینش اقتصادی منحصر به فردی را با جزئیات تمام بیاموزد. بلکه افراد بایستی به طریقی علم اقتصاد را بیاموزند که بتوانند درک درستی از استدلال‌های مختلف این علم داشته باشند و قوه‌ی ذهنی و انتقادی مناسبی را کسب کنند تا بتوانند تشخیص دهند که در یک شرایط اقتصادی خاص کدام استدلال اقتصادی بیش از سایرین معقول به نظر می‌رسد و کدام یک از ارزش‌های اخلاقی و اهداف سیاسی مبنای این قضاوت (توجه داشته باشید که من رأی بر صحت استدلال خاصی نمی‌دهم) است. برای تحقق این هدف به کتاب خاصی نیاز است که علم اقتصاد را به شیوه‌ای جدید توضیح دهد که تاکنون تلاشی برای آن انجام نشده است و باور دارم که کتاب حاضر می‌تواند چنین کاری انجام دهد.

این کتاب چه تفاوتی با سایر کتاب‌ها دارد؟

این کتاب با سایر کتاب‌های مقدماتی علم اقتصاد چه تفاوتی دارد؟

یکی از تفاوت‌های این کتاب این است که من خوانندگان کتاب خودم را جدی می‌گیرم و به این موضوع پایبندم! این کتاب صرفاً نسخه‌ای تغییر شکل یافته از برخی حقایق پیچیده‌ی پذیرفته شده نخواهد بود. راه‌های بسیاری را برای تحلیل مسائل اقتصادی به خوانندگان کتاب ارائه می‌کنم و باور دارم آنها به خوبی میتوانند میان رویکردهای مختلف به درستی قضاوت کنند. از بحث در مورد اساسی‌ترین مسائل روش‌شناختی علم اقتصاد خودداری نمی‌کنم و در مورد مسائلی از قبیل اینکه آیا اقتصاد یک علم است یا خیر و نقشی که ارزش‌های اخلاقی در این زمینه ایفا می‌کنند (یا بایستی ایفا کنند) بحث می‌کنم. هر زمان که امکانش باشد می‌کوشم فروض^۱ زیربنایی نظریه‌های اقتصادی مختلف را آشکار کنم تا خوانندگان بتوانند خود در مورد واقع‌گرا بودن و باورپذیری این مفروضات قضاوت کنند. همچنین به خوانندگان توضیح می‌دهم که اعداد علم اقتصاد به چه نحوی محاسبه شده‌اند و بر این موضوع تأکید دارم که این اعداد را همانند وزن یک فیل یا دمای یک ظرف در حال جوش، اعدادی عینی به حساب نیاورند.^۲ به طور خلاصه، میکوشم به جای آنکه به خوانندگانم بگویم چه فکری کنند، نحوه‌ی اندیشیدن در مورد مسائل را به آنها بیاموزم.

با این حال، درگیر کردن خوانندگان در عمیق‌ترین سطوح تحلیلی به معنای آن نیست که این کتاب*

1. assumptions

۲. اما اگر از دانشمندان این علوم بپرسید، به شما خواهند گفت حتی این اعداد نیز کاملاً عینی نیستند.

دشوار خواهد بود. در این کتاب هیچ مطلبی نیست که خوانندگانی که دست‌کم آموزش متوسطه را پشت‌سر گذاشته‌اند، قادر به درک آن نباشند. فقط از خوانندگان کتاب تقاضا دارم با کنجکاوی به دنبال درک مطالب بروند و به حدی صبور باشند که بتوانند چند پاراگراف را در یک زمان مطالعه کنند.

یکی از تفاوت‌های مهم دیگر این کتاب با سایر کتب اقتصادی این است که در این کتاب اطلاعات بسیار زیادی در مورد جهان واقعی وجود دارد و وقتی می‌گوییم «جهان» منظورم واقعاً تمام جهان است. در این کتاب اطلاعات زیادی در مورد بسیاری از کشورهای جهان ارائه شده است. البته، منظورم این نیست که این کتاب به یک میزان بر تمام کشورها تمرکز کرده است؛ بلکه منظورم این است که در این کتاب برخلاف بسیاری از کتاب‌های اقتصادی دیگر، اطلاعات اقتصادی صرفاً به یک یا دو کشور خاص یا نوع خاصی از کشورها (ثروتمند یا فقیر) محدود نشده است. بیشتر اطلاعات ارائه شده اطلاعات عددی هستند: اقتصاد جهان از چه مقیاسی برخوردار است؟ چه میزان از محصولات جهان را ایالات متحده یا برزیل تولید می‌کنند؟ کشورهای چین یا جمهوری دموکراتیک کنگو چه سهمی از تولیدات خود را سرمایه‌گذاری می‌کنند یا مردم کشورهای یونان و آلمان چند ساعت در روز کار می‌کنند؟ اما این اطلاعات با اطلاعات کیفی دیگری در مورد ترتیبات نهادی، پیشینه‌های تاریخی، سیاست‌های متداول و موارد مشابهی از این قبیل تکمیل خواهد شد. امید من این است که در پایان این کتاب خواننده بتواند در مورد نحوه عملکرد اقتصاد در جهان واقعی درک بهتری پیدا کند.

«و البته حالا به دلیلی کاملاً متفاوت...»^۱ این درک بهتر را دارد.

۱. همان تکه کلام معروفی که در سریال سیرک هوایی مونتی پیتون استفاده شده است.